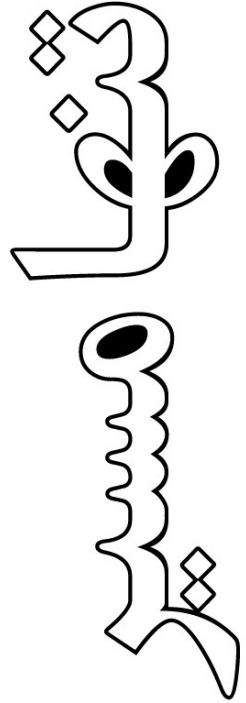


راهبرد اصلی در
نظام تربیت دینی



مبنای تعریف انسان :

”مبارزه با دوست داشتنی‌ها“



اشاره

سلسله جلسات حجت الاسلام و المسلمین
پنجاهمین در شبهای ماه مبارک رمضان ۹۲
با موضوع "تنها مسیر" (راهبرد اصلی در
نظام تربیت دینی)

در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در
دومین جلسه را می‌خوانید:

غربت مفهوم "جهاد اکبر" در شناخت و معرفی انسان . آگاهی و اختیار انسان بدون "جهاد اکبر" فایده‌ای ندارد!

معمولاً در پاسخ به این سؤال که "تفاوت انسان با حیوان چیست؟" به اینکه انسان دارای عقل، آگاهی و اراده و اختیار است، اشاره می‌شود. اما سوال این است که این اراده، اختیار و آگاهی که به عنوان فضیلت و وجه تمایز "انسان" با "حیوان" و "فرشته‌ها" مطرح می‌شود، به چه دردی می‌خورند و چه فایده‌ای دارند؟ ما برای چه دارای آگاهی و اراده و اختیار شده‌ایم؟

آگاهی و اراده، دو مفهوم بسیار مشهور در حیات انسان هستند. ولی در این میان مفهوم دیگری وجود دارد که غریب مانده است و اگر این مفهوم نباشد، آگاهی و اختیار هم فایده نخواهند داشت و آن "جهاد اکبر" است.

جهاد اکبر مفهوم غریبی است که معمولاً در شناخت و معرفی انسان مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. ما آگاهی و اختیار داریم که چه چیزی را انتخاب کنیم؟ آیا



نسبت ما با چیزهایی که می‌توانیم انتخاب کنیم، نسبت یکسانی است؟ چرا انتخاب انسان، ارزشمند می‌شود؟ آیا بر اساس شانس است؟

انتخاب انسان وقتی ارزشمند است که علیه آنچه دوست دارد، انتخاب کند و آلاً تفاوتی با انتخاب حیوان نخواهد داشت.

می‌توان گفت آزادی انتخاب و اختیار انسان، در صورتی که تمایلات انسان مطرح نباشد، مضحک و بی‌معنا است. این تمایلات و گرایش‌های انسان است که نسبت او را با چیزی که می‌خواهد انتخاب کند، تعیین می‌کند. و انتخاب انسان وقتی ارزشمند است که علیه آن چیزی که دوست دارد، انتخاب کرده باشد. و آلاً انتخاب او، تفاوتی با حیوانات را رقم نخواهد زد.

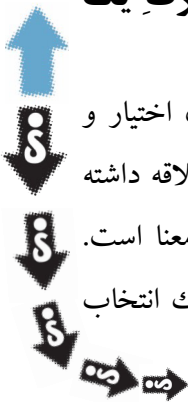
۲

انسان موجودی است که برای مبارزه با امیال خودش آفریده شده.

انسان، موجودی است که برای مبارزه با امیال خودش آفریده شده است و آلاً اختیار، آزادی و آگاهی انسان، بی‌فایده خواهند بود. هویت و ذات و مبنای تعریف انسان این است که با دوست داشتنی‌هایش مبارزه کند.

آگاهی و اختیار انسان وقتی معنا دار می‌شود که به هر دو طرف یک انتخاب تمایل داشته باشد

اگر انسان به هیچکدام از انتخاب‌های ممکن، تمایل نداشته باشد، اختیار و آزادی او بی‌معنا خواهد بود. اگر انسان به یکی از انتخاب‌های ممکن، علاقه داشته باشد و به طرف مقابل آن اصلاً علاقه نداشته باشد، باز هم اختیار بی‌معنا است. آگاهی و اختیار انسان وقتی معنا دار می‌شود که شما به هر دو طرف یک انتخاب



تمایل داشته باشید، در چنین انتخابی است که شرافت انسانی معنا پیدا می‌کند. در واقع انسان معمولاً از بین چند تمایل خودش، یکی را انتخاب می‌کند. سؤال دیگر این است که این چند تمایل انسان نسبت به یکدیگر چگونه باشند تا اختیار معنی پیدا کند؟ اگر دو یا چند تمایل دارای میل یکسان از طرف ما باشند و کشش یک طرف بیشتر نباشد، باز هم انتخاب معنا نخواهد داشت و انسان حیوان می‌ماند. و اگر میل به یک انتخاب، بیشتر باشد، طبیعی است که همیشه آن را انتخاب می‌کنیم و باز هم اختیار بی‌معنا خواهد بود.

طراحی خدا برای معنادار شدن اختیار انسان: "علائق ارزشمند ولی پنهان" در مقابل "علائق کم‌ارزش ولی آشکار"

خداوند سیستم جالبی را برای معنادار شدن اختیار و انتخاب انسان طراحی کرده است؛ به این صورت که خداوند دو نوع علاقه در وجود انسان قرار داده است که یکی؛ سنگین‌تر، ارزشمندتر، عمیق‌تر ولی پنهان‌تر است و علاقه دیگر، سطحی‌تر، کم‌ارزش‌تر، سبک‌تر و باشیرینی کمتر، اما آشکارتر است. و اختیار در این جا معنی پیدا می‌کند که شما از تمایل آشکار و سطحی خودت عبور می‌کنی و به تمایل عمیق و ارزشمندتر مراجعه می‌کنی. از اینجا به بعد است که انسان، معنی پیدا می‌کند و هویت انسانی، تجلی پیدا می‌کند و اصلاً فلسفه وجودی انسان، همین است.

انسان باید از تمایلات کمتر ولی ملموس‌تر عبور کند تا به تمایلات عمیق‌تر برسد، تمایلات کمتر و سطحی‌تر را "هوای نفس" می‌نامند.

اختیار انسان فقط اینجا معنا پیدا می‌کند که انسان از یک تمایل کمتر ولی تجربه شده، ملموس‌تر و سطحی‌تر عبور کند و به یک علاقه عمیق‌تر برسد. این

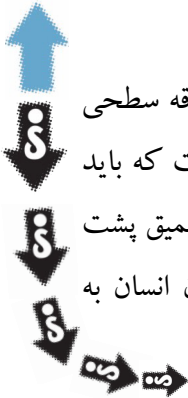
علاقه‌های کمتر و سطحی‌تر را "هوای نفس" می‌نامند.

حضرت امام (ره) در ارتباط با عبور کردن از علائق سطحی به علائق عمیق، می‌فرمایند: "همه چیز از خود ما هست و به ما برمی‌گردد، عکس العمل ماست. باید توجه داشته باشند، همه توجه داشته باشیم به اینکه آفت انسان، هوای نفس انسان است و این در همه هست، سرچشمه می‌گیرد از آن فطرت توحید. فطرت، فطرت توحید است، فطرت کمال طلبی است. کمال مطلق را انسان می‌طلبد، خودش نمی‌فهمد، خیال می‌کند که مقام می‌خواهد، لکن وقتی بهش رسید، می‌بیند این هم نیست. همه عالم را اگر چنانچه جمع کنند و به دست انسان بدهند، قانع نیست. می‌بیند که قدرتمندهایی که قدرتش از زیاد است، بیشتر دنبال قدرت هستند، بیشتر دنبال توسعه قدرت خودشان هستند. آنها هم اگر فضا را بگیرند و دریا را بگیرند و زمین را بگیرند و آسمان را بگیرند، قانع نیستند. اگر انسان جلوی خودش را نگیرد، این سرکشی‌ای که حدّ و حدود ندارد، انسان را به باد فنا می‌دهد. باید سرکشی را جلویش را گرفت، و این نفس را مهار کرد. ... از هواهای نفسانی که سرچشمه همه فسادها هست، جلو بگیرند."

(صحیفه امام/ج ۱۹/ص ۳۷۶)

انسان آفریده شده است تا از علایق سطحی خود عبور کند

انسان آفریده شده است تا از علایق سطحی خود، رد شود. این علاقه سطحی را باید دور بریزیم. پشت این علایق سطحی، چیز دیگری پنهان شده است که باید آن را پیدا کرد. مثلاً خواسته سطحی تو، خانه‌دار شدن است ولی خواسته عمیق پشت آن، خداخواهی است. آن علایق پنهان را باید کشف کرد. انسان شدن انسان به



مبارزه با همین خواسته های سطحی وابسته است، البته این مبارزه باید با یک برنامه صحیح انجام شود و اگر کسی برای مبارزه با هوای نفس، به دنبال برنامه باشد آن برنامه را اسلام ارائه کرده است.

اگر از علاقه های آشکار به علاقه های پنهان عبور کنیم "جهاد اکبر" شکل گرفته است.

اختیار وقتی معنی دارد که بین دو چیزی انتخاب کرده ای که یکی از آنها ارزشمندتر ولی پنهان تر است؛ و دیگری بی ارزش تر ولی پیداتر و آشکارتر است. اگر از این علاقه آشکار به آن علاقه پنهان عبور کنی؛ جهاد اکبر شکل گرفته است و مبارزه با نفس پدید می آید که نخ تسبیح فضائل و خوبی های انسان است.

امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: "مخالفت با هوای نفس نظام دین را شکل می دهد؛ نِظَامُ الدِّینِ مُخَالَفَةُ الْهَوَىٰ" (غررالحکم/حدیث ۳۲) و در جای دیگر می فرمایند: "رأس دین مخالفت با هوای نفس است؛ رأسُ الدِّینِ مُخَالَفَةُ الْهَوَىٰ" (غررالحکم/حدیث ۳۵)

پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرمایند: بر یکی از درب های دوزخ الهی نوشته شده است: "از هوای نفس پیروی نکن، هوای نفس ایمان را از بین می برد؛ وَعَلَى الْبَابِ الْخَامِسِ مَكْتُوبٌ: لَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَالْهَوَىٰ مُجَانِبُ الْإِيمَانِ"

(الروضه فی فضائل امیرالمؤمنین (ع)/ص ۱۷۷)

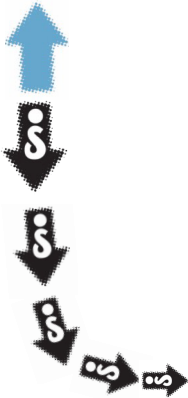


مؤمن به خاطر مبارزه با نفس روزی هفتاد بار می‌میرد.

البته مبارزه با هوای نفس سخت است. در حدیث قدسی چنین آمده است که: مردم یک بار می‌میرند ولی مؤمن به خاطر مبارزه با نفس و مخالفت با هوای نفس روزی هفتاد بار می‌میرد؛ **يَمُوتُ النَّاسُ مَرَّةً وَ يَمُوتُ أَحَدُهُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً مِنْ مُجَاهَدَةِ أَنْفُسِهِمْ وَ مُخَالَفَةِ هَوَاهُمْ** (میزان الحکمه/روایت ۲۹۱۶)

برای دریافت کلیپ های صوتی این جلسه و همچنین صوت کامل جلسات و مطالب مرتبط به تارنمای رسمی استاد پناهیان مراجعه نمایید:

Bayanmanavi.ir





عناوین جلسات آینده :

- انسان تنها موجود توانمند در ایجاد ارزش افزوده است.
- چگونه می توان ارزش افزوده تولید کرد؟
- افزایش علم و آگاهی، ارزش افزوده تولید نمی کند!
- عمل تنها ارزش افزوده ایجاد نمی کند!
- ما برای یک مبارزه دائمی با دوست داشتنی ها خلق شده ایم.
- "نه" گفتن به دوست داشتنی ها باعث درک هویت انسانی است.
- تنها عاملی که ما را در مبارزه با دوست داشتنی ها کمک می کند چیست؟



وارثین؛ مرکز تولید و توزیع محصولات جبهه ی فرهنگی انقلاب اسلامی؛

دزفول، خیابان امام خمینی شمالی، کوچه ی شهدا، روبروی مسجد لب خندق،

تلفن: ۰۹۱۶۸۲۳۰۹۷۴

